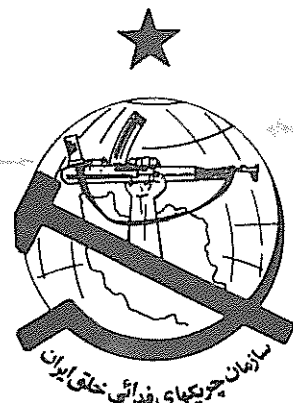


۱۹ برصمن

دانشجویی

هدایت جنبش دانشجویی در جهت پیوند با جنبش نوین انقلابی ایران از وظایف خطیر مارکسیست-لنینیست های انقلابی است

اطلاعیه



بیاد بود شهادت

رفیق حمید اشرف کمونیست کبیر انقلابی

در هفتم تیرماه ۱۳۵۵ رفیق حمید اشرف رهبر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در یک نبرد مسلحانه با دشمنان رژیم فاشیستی شاه خائن، پس از نابود کردن تعداد زیادی از دشمنان رژیم، شهادت انقلابی رسید و زندگی پر شور و انقلابی خویش را، همراه عدلی دیگر از فدائیان همسرگش، بنابر راه انقلاب و رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان نهایی ایران نمود.

رفیق حمید اشرف در سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران به کیفیت والای یک کمونیست کبیر انقلابی نایل گردید. او در یگانگی با سازمان بر افتخار خود صادقت به مارکسیسم لنینیسم اعتقاد داشت و بدان عمل میکرد، در عمل و در رابطه با انقلاب ایران بنحوی خلاق تشویقهای عام این دانشجویان پرولتاریا را از فرمولهای کلی و عام خارج مینمود و به قانونمندیهایی منطبق با شرایط مشخص جامعه ما تبدیل میکرد و بدینسان به این تئوری انقلابی پیروزند ارتقا نونین میبخشید، همیای سازمان خود بطور خلاق راه های جدید نبرد را که برای مقابله با دشمن کارا باشد، در خلال تجربه عملی انقلابی، کشف میکرد و بکار میگرفت.

رفیق حمید اشرف نمونه یک کمونیست راستین انقلابی، در شرف ایستادگی و فاشیستی حاکم بر جامعه، هرگز خود را از مبارزات طبقه کارگر و خلق جدا نمیکرد، در میان خلق ستکنش و غارتشده تا آخرین لحظات حیات بر بار خویش باقی ماند و میدان نبرد را

اخیراً سازمان مجاهدین خلق ایران / اقدام به پخش نشریه ای نمود که عنوان "مسائل حاد جنبش ما" به آن داده شده است. نظر به بر خورد غیر مسئولانه و غیر اصولی این سازمان در مورد درج مطالب غیر واقعی و تحریف بنده در این نشریه که ممکن است منجر به ایجاد تصورات نادرست و ابهامات بسیاری در مورد جنبش نوین انقلابی خلق ما گردد / خود را موظف میدانیم فعلاً هر چند مختصر / در مورد مطالب آن توضیح دهیم . بعد از طرح مسئله ایجاد "جبهه واحد توده ای" از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران / سازمان ما جهت ایجاد بحث خلاق بین کلبه اعضا / دو سازمان و تشریح هرچه بیشتر مواضع آید ثلوثیک و ارائه تحلیل های تئوریک آنها / پیشنهاد انتشار نشریه ای بین اعضا / دو سازمان نمود . بدینال قبول این پیشنهاد از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران / اولین شماره این نشریه در فروردین ماه ۱۳۵۵ از طرف سازمان ما با ارائه تحلیل های تئوریک / در رابطه با رد طرح "جبهه واحد توده ای" / منتشر شد . دومین شماره نشریه فسوق قرار بود از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر گردد / بقیه در صفحه ۵ - ۶

مواضع استراتژیک

جنبش دانشجویی در مرحله کنونی آن

۱) مبارزه جهت سرنگونی رژیم مونارکو - فاشیستی پهلوی و قطع نفوذ کامل امپریالیستها بسرگردگی امپریالیسم آمریکایی .

۲) دفاع و پشتیبانی همه جانبه و بدون قید و شرط از کلیه مبارزات و مبارزین خلق پیروزه جنبش انقلابی - مسلحانه .

۳) دفاع و پشتیبانی از مبارزات زحمتکشان ، با تکیه بر مصالح انقلابی طبقه کارگر ، جهت کسب حقوق دموکراتیک و سیاسی آنان .

۴) بکار انداختن کلیه امکانات مادی و معنوی (پیوسه انتشاراتی و تبلیغاتی) جهت برآوردن درخواستها و پیاده کردن رهنمود های پیشاهنگان جنبش انقلابی - مسلحانه .

۵) تبلیغ حقانیت مبارزه مسلحانه و نقش محوری آن در تمام اشکال مبارزات خلق .

۶) پشتیبانی از تساوی حقوق زن با مرد و رفع تبعیضات علیه اقلیتها و مذهبی .

۷) تبلیغ و پشتیبانی از حقوق ملی خلقهای ایران و دفاع از مبارزات آنان علیه سیادت شوینیستی رژیم شاه .

۸) اتخاذ مواضع جهانی بر اساس منافع انقلابی خلق و سیاست خودانگیزی و عدم وابستگی، جنبش نوین انقلابی .

۹) پشتیبانی بدون قید و شرط از جنبشهای آزادیبخش جهان پیروزه در منطقه خاور میانه .

۱۰) همکاری با نیروهای ضد امپریالیستی ، ضد ارتجاعی و دموکرات بر اساس منافع متقابل و مصالح انقلاب ایران .

خلق را در مراحل مختلف تنظیم میکنند . او نمونه ای از رهبران واقعی زحمتکشان و پرولتاریا نظیر لنین ، استالین ، مائو و هوشی مین ایران در مبارزات انقلابی خلق ما بود .

بقیه در صفحه ۲ -

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بازوی مسلح و نماینده انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران است

بیاد بسود... بقیه از صفحه ۱ -

رفیق حمید اشرف، در یکبارگی با سازمان پشاهنگ انقلابی خلق، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در پیشاپیش خلسق گام بر میداشت. او در شرایطی که وظیفه انقلابیون راستین پیرو وظیفه کمونیستانه، ارتکاب مبارزه انقلابی مسلحانه بود، صاف تانک به این وظیفه جرم کمونیستها عمل کرد، در تدارک مبارزه مسلحانه شرکت نمود. در تجدید سازمان گروه کمونیستی و انقلابی رفقا جزئی ظریفی که خود بدان تعلق داشت فعالانه شرکت نمود. هر دو تشکیل شاخه های کوه و شهر گروه جنگل، که مبارزه انقلابی مسلحانه را در کیفیت جدید در ایران آغاز کرد، نقش بسیار برجسته ای داشت. تدارک مسلحانه پیشاهنگان انقلابی و کمونیستی خلق به پاسگاه ژاندارمری میاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ و در ایجاد این رستاخیز خونین که سر آغاز جنبش نوین انقلابی خلق و ملت نقش موثر داشت، در ادامه مبارزه مسلحانه در شهر خلک مستقیم داشت و در حساسترین لحظات برای بقا و ادامه این مبارزه و راه رهایی خلق بیوتر ترین و پر مسئولیت ترین عملیات دست زد. در پیوند دادن دو گروه کمونیستی و انقلابی - گروه جنگل و گروه رفیق احمدزاده - و ایجاد سازمان کمونیستی و انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، نقش برجسته داشتید و رشد و اعتدالی تئوری و عمل مسلحانه در ایران سهم پر ارزشی را در اختیار داشت.

رفیق حمید اشرف از هنگامیکه (سن ۲۰ سالگی) به گروه کمونیستی و انقلابی جزئی سطر رفیق پیوست تا سن ۳۰ سالگی که در راه رهایی خلق و طبقه کارگر میثابه یک چریک فدائی بشماره رسید. زندگی پر حماسه ای را گذراند که در بین توده ها درباره او داستانها گفته میشد و با چهره افسانه ای داده میشد. خلق که در باره او چنین سخن میگفت راه رهایی خود را در تمام مبارزه مسلحانه میدید که توسط جنبش انقلابی مسلحانه انجام میگرفت و رفیق حمید اشرف یکی از سبیلانی از چریکها بود که خلق او را در زمان حیاتش شناخته بود. در این چهره افسانه ای که خلق به حمید اشرف داده بود واقعیت یک چریک فدائی ساده و یک کمونیست واقعی قرار داشت. کادر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران امکان گفتن یافته بسود و نیروی بیگانه یک انسان انقلابی را بنصه ظهیر میسایند. زندگی کوتاه و مبارزه و مبارزه و مبارزه عظیم این رفیق فدائی نشان میدهد، چگونه یک سازمان راستین انقلابی قادر است از هر فرد ساده و صادق یک انقلابی بزرگ بسازد و انرژی ذخیره در توده را به حرکت در آورد. سازمان چریکهای فدائی خلق بهاس نقش سترگ این رفیق در جنبش نوین انقلابی خلق ما او را به رهبری سازمان پرافتخار خود برگزیده ارج نهاد. زندگی پرزم و شهادت رفیق حمید اشرف گویای یک واقعیت بزرگ انقلابی است که در یک سازمان انقلابی و کمونیستی پیشاهنگیک فرد در رهبری سازمان نیز همطراز فرد اعضا آن

سازمان در تمام مبارزات سازمان شرکت میکند و در یکبارگی جسد اثنی ناپذیر با رفقای انقلابی خود، با سازمان انقلابی خود عمل میکند. و این منش جدیدی در مبارزات انقلابی جامعه ما است، زیرا آنچه رفتار و کردار رهبران سنتی بود گذشته از استثنائات، آن رهبران از مبارزه و روبرویی با دشمن پرهیز میکردند و همیشه وظایف حساس و خطرناک را بتسوده ساده منتقل میکردند و در شرایط حساس بتصور و بهانه باطل آنکه رهبری نباید تن بخطر بدهد، و حیفاست که از بین بروید در اولین فرصت به خارج فرار میکردند و توده حزبی و توده های هوادار را در زیر پیگرد ها و سرکوب رژیم فاشیستی بدون رهبری میگذاشتند. نتیجه آنگونه ضعیفا نبود که ایمان مبارزه و پشتکار در ادامه راه در توده سازمانی و توده های خلق از بین میرفت و تبدیل بیاس و سر خوردگی میشد.

رهبری نیز که قرار ندهد بود در عمل مبارزه نمیتوانست حضور و تاثیر مثبت داشته باشد، به موجود مردای تبدیل میشد که حتی ادامه بقایش تاثیر منفی بر راه و روشن توده ها میگذاشت برعکس آن، ماندن رهبری در میان توده ها و روحیه انقلابی ملهم از مشی درست رهبری متوق ایمان انقلابی مبارزین است و زمینه ایست جهت رشد و رزمنده و ارتقا سطح تئوریک و پراتیک توده ها و تبدیل سریع آنان به رهبران پر ارزش و پر بار انقلابی برای سازمان پیشاهنگ و خلق. زندگی انقلابی این رفیق فدائی و شهادت انقلابی او نشان میدهد که یک رهبر چریک خون خود را از خون یک فرد ساده چریک و از خون خلق سنگس و استثمار شده رنگین تر نمیداند. این کیفیت عالی انقلابی که از خصائل برجسته کمونیستهای راستین میباشد موجب آن میگردد که پیوند و یگانگی و ایمان

خلقه نا پذیر بین خلق و سازمان چریکی پیشاهنگ و بین تمام اعضا یک سازمان چریکی بوجود آید. تا حدیکه یک رفیق فدائی شهادت خود را هزار بار میدیود و اما هرگز حاضر نیست بسازمان انقلابی و خلق خود خیانت کند و زندگی خفت باری را که با قیمت خدمت به دشمن، یا فرار از مبارزه و بیادست کشیدن از آن در عمل فراهم شود بخود بخورد. در این چنین سازمانی یک چریک فدائی خلق برای خلق زنده میماند، برای آزادی آن مبارزه میکند، و در راه رهایی خلق نیز د او طلبانه شهادت را میدیود. زندگی مبارزه و شهادت رفقای مانند رفیق حمید اشرف نشان میدهد که چگونه انسانهایی با خصائل والای انقلابی و کمونیستی در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بوجود میآیند. رفقا این پدیده نو و انقلابی را در جامعه ایران چنین ارزیابی مینمایند:

در این رهگذر بود (منظور در این جریان انقلابی میماند) که کادریهای واقعی انقلابی، هم و جانباز جنبش نوین انقلابی خلق ایران تعیین انقلابی یافتند، کادریهایی که برای آنکه بتوانند در شرایط دشوار و واقعاً مبارزه کنند، میبایست در یک دست سلاح در دست دیگر کتاب و در زیر زانتاشان قرص مرگ داشته باشند و بدینسان بود که کادریهای روزی و فدائی جنبش نوین خلق ایران یا بمرصه وجود نهادند... (نبرد خلق شماره ۷ ص ۱۰۷-۱۰۸)

زندگی انقلابی رفیق حمید اشرف، مانند زندگی صدا همزم او در خلال سینه ای دشری و سگون ناپذیری که در راه رهایی و آزادی واقعی تمام استثمار شدهگان و مستعبدیدگان زحمتکش بوجود میآید و در این نبرد تاریخ ساز علیه شرایط فاشیستی و علیه ارتجاع اعتلا میابد زندگی سراسر نبرد آشتی ناپذیر او با دشمن کینه توز طبقاتی و ارتجاع که نمونه زندگی یک انسان آزاد در زمان ما است، نشان میدهد که برای آزاد زیستن در شرایط مستعبد بودگی (بودگی مدرن) باید علیه نظام مستعمرانه و غارتگرانه موجود مبارزه انقلابی مسلحانه نمود. میزان آزادی یک فرد در این شرایط بستگی کامل دارد به میزان نبردی که علیه حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم مینماید در بیرون محدود و این نبرد انقلابی کسوف نمیتواند آزاد زندگی کند مگر زمانی که در اثر همین نبرد استثمار انسان از انسان و تمام آثار جوامع طبقاتی رخت از جهان بریند. زندگی حمید اشرف نشان میدهد که یک انسان همزم پرولتاریا، آگاه به ضرورت حرکت تکاملی تاریخ و با خواست تاثیر در جهست تکاملی آن، پر ایمان، بیباک، در خدمت رهایی بشریت محروم، استثمار شده و مستعبدگیا برچم سرخ و پر صلابت انقلابی و کمونیستی حرکت میکند. یک انسان آزاد بخواد و انقلابی در پیوند با یک سازمان انقلابی پیشرو در نبردی قرار میگیرد که عالمتربین و روشمترین زندگی را میآفریند، نبردی که تا نابودی و پایان همه عقب ماندگیها ادامه مییابد. با در پیش رو داشتن چنین افق درخشانی برای آینده بشر آزاد شده چه بر معنای ست سخنان تقی ارازی کمونیست که در بیادگاههای رژیم

دیکتاتوری فاشیستی رضا شاه، این نوکر سر سیده استعمار انگلیس، با قاطعیت تمام و با ایمان انقلابی میگفت:

"جریان تاریخ چون شطرنجی است که بدریای تکامل میریزد بگذار از آن قطراتی باشم کدر این شط بدریا میپیوندند. نه از آن قطراتی که بر کاره میمانند و میگردد" (از ذقافیات تقی ارازی در دادگاه ۳۴ نفر سال ۱۳۱۶) اگر خود ارازی، روزی ها، وارطانبها، کوچک شوشتریها، سیامکها، انوشها قاطبیها، صفاتیها، ویرانها، هارجزنیها، جلیل انزلیها، مهربانها، ابراهیمیها، احمدزادهها، سپهریها، پورانیدالهیها، حمید مومنیها، عزیز اشرفزاده کرمانیها، گل سرخیها، برضاتیها، تره گلها، حکمت جوها، کرسوز بروندهها، بهرام آرامها، بحمید اشرفها و صد هاشمید دیگر راه خلق نمونه صادق این قطرات پیوسته بدریای پر صوره تکاملی تاریخ و تاشیر گذار روی رهایی واقعی بشریت میباشند. رهبران روزیونیستی حزب توده و سرمداران جریانات اپورتونیستی دیگر و رهبران وامانده و سنتی جنبه ملی از آن قطراتی میباشند که در کاره ها و جدائی از مبارزه واقعی خلق ماندند و غرق در روزیونیسیم اپورتونیسم و معاشات گدیفتند.

رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه، سگ زنجیری امپریالیسم و بیوزواری بزرگ وابسته با قصد از بین بردن مبارزه خلق ~~خود~~ بتعقیب انقلابیون ایران پرداخته است، بگمان اینکه با تسور انقلابیون قادر است بقاصد ضد خلقی و ضد انقلابی خود برسد. غافل از آنکه خشونت ارتجاعی و فاشیستی رژیم فقط به حساب یک عامل خارجی بر جنبش خلق تاثیر میگردد. اگر شیوه فاشیستی رژیم میتواند بر جریانهای سازشکار و اپورتونیست اثر بازدارنده و ویران کننده بگذارد، برعکس این خشونت جنبش انقلابی خلق را مصمم تر و استوارتر تهر ادامه مبارزه مومین میکند. در این رابطه شهادت انقلابیون خلق که علیه ارتجاع و امپریالیسم مبارزه کمونیستی و انقلابی انجام میدهند نیروهای هرچه بیشتری از توده های صادق را به مبارزه جلب میکند.

خشونت فاشیستی ارتجاع در هنگامیکه پیشاهنگ انقلابی وجود ندارد، درست در تضاد با اهداف و نیات امپریالیسم و ارتجاع فقط موجب توسعه امواج مبارزه شده، جامعه را بیش پیش سیاسی میکند، مبارزه ارتقا یابنده ای سوق میدهد و بالاخره توده ها را بانقلاب وادار میکند.

رشد و ارتقا تمام مبارزه بهمه عناصر آزاد بخواد نشان داده و در تجربه روزانه آنرا بیش پیش تأکید میکند که یک سازمان انقلابی و کمونیستی بر مبنای درک در ستنش از مبارزه و ایمان و صداقت انقلابی در انجام این مبارزه سازمانی از بین نرفتنی است سازمانی است که قادر است کمبودهایش را در ضمن پراتیک انقلابی و رفع کند و بخوبی میتواند ضریات وارده از جانب دشمن را ترمیم کند و ظرفیت رزمندگی خود را بازمز رشد دهد. اینک بیش از ۹۰ مردم ایران را توده زحمتکش و مستعبدیده ای تشکیل میدهد که منافق آن در انقلاب علیه ارتجاع، امپریالیسم و سرنگونی رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی میباشند. این توده های زحمتکش با رشقت بیبا خواهند خواست، دستان مصمشان سلاح برخواهند گرفت. رژیم فاشیستی شاه و ارتش مزدورش با این جنبش انقلابی خلق محاصره عاجز و نابود خواهد شد.

خون رفیق حمید اشرف که برای رهایی طبقه کارگر و زحمتکش خلقهای وطن ما ریخته شده، تنها قطره ای از اقیانوس طغیانی و انقلابی عظیم خلق ماست و این اقیانوس انقلاب خلق همسایان ناپذیر است. خلق ها نابود نا شدنی هستند، انقلابی هوادار آزادی میباشند. خلق انقلابی با حامی چریکهاست و در دامان خود هزاران حمید اشرف دیگر پرورش داده و صد ها هزار انقلابی صادق و بظهور میآورد. امروز خلق ما از پرورش چنین فرزندان انقلابی و نظیر رفیق حمید اشرف بر دلمان خوشتر و خجسته تر میآید و با الهام از این، نمونه

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با پیشاهنگان انقلابی مسلح خلق

جنبش انقلابی . . . بقیه از صفحه ۷

میباشد . چون منافع این بورژوازی وابسته از طریق استثمار و کانه و فوق العاده شد پذیرفته شدن وطن مآتامن میشود . موجب تضاد های حل نشدنی در کار این سیستم وابسته میگردد لذا همانطور که در بالا اشاره شد بقاییش تنها بلکه فاشیسم و برای مدتی کوتاه امکان پذیر میگردد . این بخش از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تاکنون در حاکمیت قرار دارد و تمام اهرمهای قدرت (ارتش پلیس و ساوا و زندان) را بر ضد خلق یکسار گرفته اند . آزادی مردم ایران و استقلال و حاکمیت ملی آنان بدون تردید با منافع این طبقه وابسته کاملاً متضاد میباشد و بدون نابودی این طبقه خائن تحصیل پذیر نیست . این طبقه دشمن اساسی خلق ما را تشکیل میدهد که تماماً منافعی واقع اماتن ضد خلقهای ایران میباشد . رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه هیچ رسالتی ندارد مگر حفظ منافع امپریالیستها (در درجه اول) و منافع این طبقه (در درجه دوم) لذا هر تغییری را که رژیم نخواهد (برای تأمین منافع آن) و اجباراً (برای منافع دراز مدت) انجام میدهد برای خدمت به این دشمنان خلق میباشد .

در مقابل طبقه بورژوازی وابسته به امپریالیستها توده زحمتکش و فقیری وجود دارد که در شرایط بسیار سخت به یک زندگی برد واری مشغول است . نیروی بدنی و فکری این توده وسیله بهره کشی ضد خلق از آن میباشد . زحمتکشان ایران شامل طبقه کارگر دهقانان بی زمین و کم زمین پیشه وران کسبه کار - کارکنان فروشگاهی با برهان کارمندان و روشنفکران کپز آمد و غیره میگردد . اینان که توده میلیونی و بیش از ۹۰٪ اهالی کشور (راتشکیل میدهند اکثر فاقد هرگونه تأمین اجتماعی هستند . مشکلات جامعه ایران مشکلات این توده میلیونی میباشد . بینوائی بیسکمی ، بیروشنائی ، بیهوشائی و بیهوشی و بیماریهای عظیمی است که اکثریت وسیع این توده را تهدید میکند . این بخش پرغم تفاوتی که کم و بیش بین خود دارد در مجموع بصورت یک طبقه در جامعه و در مقابل آن طبقه ضد خلق (سرمایه داران وابسته) قرار دارد . این دو طبقه و بخش تضاد اساسی را در جامعه گشودن ما تشکیل میدهند . تضاد اساسی ایران و در نتیجه مشکلات اساسی توده های خلق در کار موجودیت این رژیم دیکتاتوری فاشیستی و سیستم وابسته به امپریالیسم هرگز حل نشدنی نیست . تنها راه حل تضاد های اساسی جامعه ما انقلاب سرخ توده ها است که با از بین بردن حاکمیت بورژوازی وابسته به امپریالیستها در ایران میباشد . این تنها راه حل است که توده و محروم و ستمکش وطن ما را به آزادی واقف میسازد . این راه انقلابی و رادیکال راهیست که هیچ سازش و ممانعت با رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه و امپریالیستهای حامی آنرا نمیدانند . بین دو طبقه فوق (طبقه ارتجاع و امپریالیسم رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه در یکطرف و طبقه خلق کارگر و حامیان بورژوازی متوسط و ستمکش و محرومیت اقتصادی و اجتماعی اش از هر دو طبقه اساسی جامعه متمایز میگردد . این قشر بینابینی از بورژوازی متوسط وابسته شامل (بورژوازی متوسط بورژوازی کوچک بخش فوئانی یا مرفه خرده بورژوازی) این بخش ها یا از انحلال بورژوازی سنتی ملی بوجود آمده اند یا در نتیجه تسلط بورژوازی وابسته بورژوازی متوسط وابسته از جایگاه در همین سیستم وابسته به ثروت و سرمایه رسیده است لذا تضاد اساسی با سیستم ندارد و این لحاظ به تغییرات اساسی و رادیکال در جامعه که موجب تغییر سیستم وابسته بشود علاقمند نیست . لکن از جایگاه زیر منگه و فشار سرمایه داری بسزورک وابسته رژیم دیکتاتوری فاشیستی آن قرار دارد با تبعیضات رژیم علیه منافع اش ناراضی و معترض است . این بورژوازی در اساس با دیکتاتوری طبقاتی سرمایه داری وابسته علیه طبقه خلق مخالف نیست بلکه با توسعه این بیعدالتی و تبعیضات تا حرم

امینیت خود او مخالف میباشد . بعبارت دیگر مدافع دیکتاتوری طبقاتی برای تمام بورژوازی وابسته میباشد نه دیکتاتوری ویژه انحصارها و بدتر از آن نه دیکتاتوری فردی متکی به یک جنبش از طبقه حاکم . این موقعیت دو گانه و بینابینی در خواستهای این قشر را در محدود و تغییرات رفیعیست و در نتیجه سازشکارانه مرتزده میگردد با خواستهای رادیکال و انقلابی طبقه خلق متفاوت و متضاد میباشد . دانستن این نکته اساسی از این لحاظ مهم است که از مزوج کردن منافع خلق با این قشر سازشکار جلوگیری نمود . زیرا بورژوازی متوسط برای کسب خواسته هایش در بعضی موارد که امکان تغییرات از بالا ممکن نباشد برای استفاده از نیروی انقلابی طبقه خلق بدان روی میآورد و با در دست گرفتن رهبری خلق مبارزات واقعی و انقلابی آنرا منحرف کرده و سازش و شکست میکشاند .

علاوه بر بخشهای بیان شده در بالا در جامعه هنوز مسابا بقایای بورژوازی سنتی و ملی مواجه هستیم . این بورژوازی در شرایط تسلط انحصارات وابسته به امپریالیسم شائمن رشد مستقل را از دست داده است . بخش اساسی آن تجزیه طبقاتی یافته و به بورژوازی وابسته تبدیل گردیده است و این بقایای هم نقش یا اهمیتی در اقتصاد و جامعه ندارد . این بقایا امروزه در حوزه هائی نظیر فروش بافیها ، صابون سازنها و نظایر آن که به سرمایه اندک احتیاج دارد ادامه حیات دارد . این بقایای بورژوازی ملی اگر چه با سیستم وابسته رژیم دیکتاتوری فاشیستی حاکم تضاد دارد لکن نیروی اجتماعی لازم را در خود برای مقابله با دشمنان خلق نمیبیند لذا مجبور است با بد نیال طبقه رادیکال خلق بد نیال طبقه کارگر حرکت نماید و با بد نیال قشر متوسط بورژوازی وابسته . در شرایط این مبارزات و امید واری همه پیروزی طبقه کارگر بد نیال این طبقه میورد و در شرایط نامساعد که افق پیروزی خلق در کوتاه مدت تیره باشد بد نیال بورژوازی متوسط وابسته میورد و با توسل به جان شیوه های سازشکارانان میخاود مسائل خود را حل کند . بهمین جهت بسیار متزلزل است و عقبمانده ترین بخش برادر همگاری با بنیادهای رادیکال طبقه خلق میسازد . توجه به این رده بندی نیروهای اجتماعی متمایز کردن موقع های آنان زمینه مادی درک سیاستها و شیوه های مبارزه آنان را فراهم میکند که اینک قدری روی آن استناد می کنیم .

طبقه ضد خلق شامل جناحهای مختلف طبقه حاکم میباشد در شرایط عادی این طبقه بصورت دیکتاتوری اشرافی (طبقاتی) مسائل مربوط به تضاد خود را با خلق و اختلافات درونی خود را حل و فصل میکند . در شرایط بحرانی که بعلى (برتری یکی از جناحهای امپریالیستی ویا برتری موقعیت اقتصادی و اجتماعی یک جناح از طبقه حاکم یا . . .) یک جناح بر دیگر جناحها غالب میگردد ، جناح دیکتاتوری شامل حال جناحهای دیگر در طبقه حاکم میگردد در این حال مبارزه درونی طبقه حاکم اوج میگردد . هدف این مبارزات در این صورت برکناری دیکتاتوری فردی و جانسین کردن آن با دیکتاتوری طبقاتی است . مانند مبارزه ای که اکنون در درون طبقه حاکم علیه دیکتاتوری فردی شاه جریان دارد . نتیجه این مبارزه طبقه حاکم هر چه باشد با منافع رادیکال و انقلابی خلق مطابقت ندارد . و بالاخره جهت صیقل دادن ماشین بهره کشی و سرکوب علیه طبقه خلق میباشد . از اینجا روشن میگردد که مبارزه خلق علیه دیکتاتوری فاشیستی شاه اساساً با مبارزات جناحهای مخالف طبقه حاکم و محتوای کاملاً متضاد دارد ولو آنکه در یکسو بیلوه کند . اگر این جناحها علیه همان دیکتاتوری مبارزه میکنند که خلق رول منظور اینان نه سرنگونی رژیم و از بین بردن دیکتاتوری طبقه بورژوازی وابسته بلکه جهت اصلاح و تثبیت و ادامه آن میباشد . نیروهای انقلابی برای جلوگیری از عوام فریبی این جناحها رین مرد مبرای جلوگیری از جا بجا کردن مسائل شان با مسائل خلق باید این دو کانگیا را برای توده توضیح بدهند و از مخدوش کردن مرزها توسط فرصت طلبان سازشکار جلوگیری نمایند . اکنون باید در

ضمن تمرکز نیروهای عده مبارزه با دیکتاتوری فاشیستی شاه بسر روی این تضاد منافع و تضاد هدفهای خلق با این جناحها تکیه کرد .

طبقه خلق شامل کلیه طبقه بند بیای جامعه که زیر غسارت و ستم طبقه ضد خلق قرار دارند میگردد . این طبقه خلق (طبقه کارگر دهقانان بی زمین و کم زمین روشنفکران کم درآمد و کارمند های دن پایه پیشه وران و کسبه و قشرهای دیگر با همین کیفیت) در شرایط این سیستم منافضات تأمین نخواهد شد بین تفاوت به آنکه دیکتاتوری فاشیستی شاه فردی باشد یا جمعی و تنها راه نجات این بخش در شرایط کنونی از طریق دمکراسی خلق تأمین میگردد که با نابودی رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه خائن نابودی سیستم بورژوازی وابسته و قطع نفوذ کامل امپریالیسم و هر کشور دیگر از ایران میباشد . دمکراسی خلق از طریق حاکمیت طبقه کارگر و در حول آن همکاری دیگر زحمتکشان امکان میآید از این طریق تنها از این طریق استقلال و حاکمیت ملی و آزادی توده های خلق امکان پذیر میگردد . برای رسیدن به این هدف استراتژیک انقلاب دمکراتیک نوین و خلق با شعار های سرنگونی رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه و قطع نفوذ امپریالیستها مبارزه را کاتالیزور میکند که در این هدفهای مرکزی مبارزه علیه رژیم شاه جنبه عده را در ارمیاسازد زیرا رژیم شاه حاکمیت امپریالیسم و بورژوازی وابسته را تضمین میکند .

در مقابل امواج نوین مبارزه انقلابی مسلحانه که نوید بخش توده های کارگر و زحمتکش جامعه ماست آن قشر میانی جامعه که توانسته است در نظام وابسته موجود منافعی بدست آورد موضوعی متزلزل و سازشکار دارد . از یک سو برای حفظ منافعش علیه جنبش مسلحانه تبلیغ و عمل میکند و از سوی دیگر برای گسترش و تحکیم منافع خویش با دیکتاتوری خشن رژیم شاه که علناً زیر لوی " نظام شاهنشاهی " استناد میسازد جناح غالب طبقه حاکم را بر تمام خلق اعمال میکند در تضاد است ، زیرا این دیکتاتوری فردی رژیم شاه از آنجا که با منافع این طبقه حاکم غالب امپریالیسم جهانی است گدشته از سرکوب و غارت خلق جناحهایی از طبقه حاکم را که در طمع سود بیشتر با جناح غالب رقابت میکنند محکوم میسازد که بضع شاه و اربابانش از منافع نخواهد خویش چشم پنهان کند . در این رابطه است که آن قشر میانی بخاطر وابستگی منافعهش به بورژوازی وابسته از موضع این جناحهای غیر غالب رژیم علیه دیکتاتوری فردی رژیم شاه صدایشان در آمد است . عرضه نویسی نمایندگان سیاسی این قشر و شیوه و گلایه ها و اعتراضات بنده های روشنفکران و نویسندگان این قشر بروز خارجی تضاد منافضات فقط با دیکتاتوری طبقه حاکم و نهایت بروز ضعف ها ، سستی و سستی سازشکاریها و تمام واماندگان سیاسی داخل و خارج کشور است که گمان میگردد و شاید هنوز هم گمان میکنند دارند در راه رهائی خلق زحمتکش مبارزه مینمایند!! تشعشات سیاسی این قشر در طیف رنگارنگی چشم میخورد که طیف رجم الوان گوناگونش در مجموع یک رنگ سازشکار بیشتر نیست . نمایندگان سیاسی آن شیوه ها و شعارهایی استفاده میکنند که در اساس برایشان خطر حیاتی بوجود نیارد و رادیکال انقلابی نباشد . بخشهای علنی نمایندگی سیاسی این بورژوازی متوسط وابسته شعاری برای مبارزه علیه امپریالیسم نه دارند سرنگونی رژیم دیکتاتوری - فاشیستی شاه را طرح نمیکند محتوای امپریالیستی و ارتجاعی " اصلاحات و انقلاب " شاه را مورد حمله قرار نمیدهند بلکه فقط از اجرا نشدن و تا کام ماندن آن انتقاد میکنند . انحلال حزب رستاخیز را نمی خواهند بلکه در کنار آن حضور حزب خود شان را طلب میکنند . آزادی بیان ، قلم ، اجتماعات و غیره را بقیه در صفحه ۴

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش انقلابی مسلحانه

جنبش انقلابی ... بقیه از صفحه ۳-

میخواهند تا سرمایه داران متوسط دچار اختناق نشوند و عرصه به آنان تنگ نگردد. آنچه بورژوازی متوسط وابسته میخواد در کادر حفظ سیستم، حفظ روابط غارتگرانه امپریالیستی، حفظ سلطنت شاه بدون دیکتاتور فردی شاه میباشد. بورژوازی متوسط سیستمی میخواد که وظیفه غارت خلق را داشته باشد اما نه با متد فاشیستی فاشیستی اعمال حاکمیت بلکه با متد های لیبرالی اعمال دیکتاتوری بورژوازی. آنها حامیان دیکتاتوری بورژوازی هستند از اینرو با دیکتاتوری فاشیستی در تضاد قرار دارند. بطور خلاصه از آنجا که بورژوازی متوسط وابسته در جهت سود روزی ناگزیر از استثمار خلق است استراتژی آن نه در سرنگونی واقعی رژیم بلکه در عقب نشینی آنست. استراتژی آن نه در تحول اساسی جامعه بلکه در تعدیل آن است. استراتژی آن نه در اجرای دموکراسی واقعی که با وجود سیستم وابسته غیر ممکن است بلکه در اهدا آزادی از بالا و گرفتن حق حیات برای خود شمیانش. این قشر از جامعه بخاطر منافع قسری اش اساساً با مبارزه قهرآمیز و با مبارزه انقلابی مسلحانه مخالف است، اگر روزی بخشی از نمایندگان سیاسی اش در طی یک مانور سیاسی بظاهر از مواضع قسری خود قدری دور شده و تظاهر به پشتیبانی از جنبش انقلابی مسلحانه کردند اینک شاهد هستیم سرفراکده به پایگاه اصلی خویش (بورژوازی متوسط وابسته) بازگشتند، اکنون طرفدار صالح اجتماع است هستند و میخوادند در طبقه مخاصم بورژوازی وابسته و طبقه کارگر و حامیان آنرا با هم بآبختی بدهند!!

وقتی آزادی احزاب و آزادی قلم و ابراز عقیده و اجتماعات را طلب میکنند جایی هم در آن برای رژیم وابسته و طبقه بورژوازی انحصاری ایران در نظر دارند. با ابزار اعمال قدرت رژیم در تضادند بطوریکه میتوان مبارزه آنها را بطور خلاصه در مبارزه با رولهای جامعه جهت لغو ساواک و تضییقات پلیس در امور اجتماعی دانست. اما اینان نه اساساً با وجود آرتش و مستشاران آمریکائی مخالفتند، نه با وجود هیچیک از ابزار سرکوب جنبش خلق تضاد دارند بلکه میخوادند کنترل این ابزار طوری انجام گیرد که منافع ایشان را در خطر قرار ندهد. قشر اجتماعی یا چنین خصوصیات که در گذشت در شرایط دیکتاتوری فاشیستی قادر نیست هیچ حرکت سیاسی مخالفی علیه رژیم حاکم داشته باشد، علت تمایل نمایندگان سیاسی بخشی از این قشر در گذشته به پشتیبانی از مبارزه مسلحانه شدت اختناق بوده است، لکن وقتی که در مقیاس جهانی شرایطی بوجود آید که امپریالیسم راه استیلاي دراز مدت تر خویش را از طریق بکار گرفتن این قشر از جامعه ببیند آنگاه تمسحات سیاسی این قشر ماهیتش را نشان میدهد. اکنون با روی کار آمدن کارتر، در مقیاس جهانی شرایطی فراهم شده است که این قشر می تواند وابسته بتواند خواستههایش را بیان دارد و قدرت ما را خوب طلب کند که مشکلاتش حل نماید.

مکانیسم حرکت اقتصادی - سیاسی - اجتماعی این قشر از جامعه در تضاد با منافع طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه است از اینرو هیچگونه وحدتی بین طبقه کارگر و حامیان و این قشر صرفاً ناراضی از دیکتاتوری فاشیستی رژیم متصرف نیست هیچگونه جنبه واحدی چه تحت عنوان جنبه ضد دیکتاتوری چه تحت هر عنوان دیگری با این قشر نمیتوان تصور کرد. از آنجا که این قشر توده وسیعی از جامعه را در بر نمیگیرد مجبور است برای فریب توده ها مواضع خود را پنهان ساخته و شعارهای

ظاهراً رادیکالی اتخاذ کند، از اینرو است که ما شاهد طیف رنگارنگ موضع گیریهای سیاسی ضد دیکتاتوری رژیم شاه هستیم لکن در شرایط کنونی، برخلاف گذشته که خلق ما فاقد پیشاهنگ راستین انقلابی بودند، وجود پیشاهنگ انقلابی خلق و محسک پرانیک و شعری انقلابی مسلحانه کمعبار شناسائی تمام حرکات سیاسی جامعه است، ما را قادر میسازد که این رنگ طوفان سازشکار را بطریق غم هر شعاری که میدهد از روی موضوعش در مقابل جنبش انقلابی مسلحانه بشناسیم. از اینرو در بسک کلام تمام جریانهای که در موضوع ضد جنبش مسلحانه قرار دارند، حقانیت تاریخی و نقش استراتژیک آنها نقی می کشند. جریانهائی سازشکار رفیسمت و زوال یابنده هستند که نهایت در مرداب مانورهای محضراته امپریالیسم در دایره بسته استیصال دست و پا زدنیهای مذبوهانفرق گشته اند.

تنها و تنها یک جریان سیاسی بیروزمند در جامعه روبرشد ظرف نمونه است و آن جریانی است که اساساً در حرکت مبارزاتی سازمانهای سیاسی - نظامی درون جامعه ما مادی یافته است این جریان بخواهی میداند که نجات واقعی خلق فقط با انهدام رژیم وابسته با امپریالیسم و اربابان آن میسر میگردد. لذا شعار سرنگونی رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه را سر لوجه مبارزه این مرحله خود قرار میدهد. اینان با نفوذ و غارت امپریالیستها و نفوذ نیاسی - اقتصادی که از جانب هر کشور دیگر، نیز قاطعانه مبارزه میکنند. رژیم شاه را نمایندنده طبقه حاکم و امپریالیستی میدانند و لذا سرنگونی رژیم شاه را جدا از نابودی طبقه حاکم در ایران نمیدانند. شعاری را که این جریانهائی انقلابی مسلح در دستور روز جنبش قرار میدهند برای بسیج توده ها در مبارزات است و این شعار با بسیج روز افزون توده های تر میشود و رادیکال تر میگردد. واقع بینی جنبش انقلابی مسلحانه در آنست که برای رساندن انقلاب به مرحله انقلابی سوسیالیستی مراحل گوناگون تکاملی را در مبارزه میشناسد که از روی تضاد های جامعه: آرایش نیروهای طبقاتی در مقابل هم و جنبش توده های زحمتکشان در مبارزه عملی سیاسی انتخاب میگردد. شعاری اگر چه مرحله ای مطرح میشود ولی بهیچوجه پایان یک مرحله پایان خواست طبقه کارگر و نیروهای انقلابی نیست بلکه پایان هر مرحله آغاز مرحله ارتقا یافته دیگری است. شعارهای غیرش در اینجا از طرح شعارهای از اعتبار افتاده یا زود رس اجتناب میشود، جان کلام هم در همین است. معمولاً اپورتونیزم در طرح شعارها اینگونه ظهور میکند که یا - شعار کهنه و از اعتبار افتاده ای را پیش میکند و میخواد بدین مرده جان نو کند. یا اینکه شعار عا که هنوز هنگامش نیست برای فراری دادن نیروها از میدان مبارزه طرح میکند. شعار مبارزه با دیکتاتوری رژیم شاه شعار مرحله آخر مبارزه جهت بسیج توده هاست و همینکه توده های کارگری و زحمتکشان ایران بسیج شده اند شعار مشخص سرنگونی سیستم بورژوازی حاکم و بلاخره شعارهای ویژه انقلاب توده ای دیکتاتوری سوسیالیستی انقلاب سوسیالیستی در دستور روز قرار خواهد گرفت.

نیوه مبارزه ای که میتواند بیروز طبقه کارگر و سایر زحمتکشان ایران را تضمین کند و نمایندگان واقعی و انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان آنرا پذیرفته اند تنها مبارزه مسلحانه است. مبارزه مسلحانه که مبارزه اصلی و مخوری تمام اشکال مبارزات خلق ما میباشد. نفی کننده نیوه های دیگر مبارزه نیست، بلکه در کنار این مبارزه و در ارتباط با آن اشکال دیگر مبارزه هم میتوانند در بسیج توده ها و پیشبرد امر انقلاب نقش خوشتر ایفا کنند. در اینجا توجه اساسی بر این است که بدون مبارزه مسلحانه و بدون سازمان دهی سیاسی - نظامی دیگر اشکال مبارزه سازماندهی قادر بایستادن در برابر سرکوب رژیم تروریست شاه نیست و بزودی شکست میخورد و از بین میرود و با خود نیرو و انرژی زیادی را بهر میدهد. این شعارها و نیوه مبارزه جملگی طبقه انقلابی کارگر و

زحمتکشان خلق ماست و فقط نمایندگان واقعی سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان قادرند از این شعارها و نیوه ها برای مبارزه استفاده کنند امریک با منافع بورژوازی متوسط وابسته منطبق نیست و گرایش های سیاسی متعلق بدان قادر با استفاده از آن نیستند. علاوه بر نیروهای که مستقیماً در جنبه نیوه با امپریالیسم کپی رادیکال و رژیم وابسته بدان قرار دارند هنوز عناصر صادق و گروههای مترقی هوادار این شی انقلابی وجود دارند که میکوشند در خدمت به طبقه کارگر و زحمتکشان ایران از این پیشاهنگ انقلابی خلق حمایت کنند، احکاسان و وسیعی برای خدمت بسازمان پیشاهنگ انقلابی خلق فراهم سازند و در اختیار آن قرار دهند. این گروه ها که در شکل های سیاسی - صنفی در بین طبقه کارگر و انتشار دیگر مبارز از جمله در بین دانشجویان فعالیت مینمایند. گروه ۱۹ بهمن نیز در این رده قرار دارد با قبول شی انقلابی مسلحانه از سایر اپورتونیزتها و سازشکاران متمایز میگردد و با پذیرفتن هموونی پیشاهنگ انقلابی خلق: سازمان چ - فاش - س در جنبش دانشجویی از هر گونه اندیشه رقیب و عمل تقاطعی دور میباشد. این گروهها خدمت به طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را از طریق اجرای تمام رهنمودها، پیامها و دستورات لازم پیشاهنگ انقلابی خلق انجام میدهند و کلیه امکانات مادی و معنوی خویش را در خدمت جنبش انقلابی مسلحانه گذاشته و از بدل تمام نیروی خویش بهره ای هم دریغ نمی نمایند. بی بهره هنگامیکه در خارج از کشور قرار دارند و در مبارزه طبقاً بطور مستقیم شرکت ندارند، راه درست عمل آنها از طریق الهام گرفتن از خواستها و رهنمودهای سازمان پیشاهنگ انقلابی خلق ممکن میگردد. و در حالیکه همواره حق تعیین شی انقلابی را فقط از حقوق مسلم سازمانهای انقلابی درون کشور میدانند به حمایت از سازمان پیشاهنگ راستین انقلابی خلق موضع میگردند. بنا بر این اصل گروه ۱۹ بهمن معتقد است در شرایط کنونی جنبش دانشجویی با پذیرفتن شعار مگا سیاسی زیر و مبارزه در راه تحقق آن میتواند بجنبش مسلحانه خدمت کند. شعار مبارزه جهت سرنگونی رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه - مبارزه مسلحانه تنها راه رهایی خلق - تبلیغ مسلحانه محور اصلی تمام اشکال مبارزات خلق - پیوند مستحکم جنبش دانشجویی با جنبش انقلابی مسلحانه. این پیوند در این مرحله بمعنی اینست که جنبش دانشجویی باید بتعمیق هدایت سیاسی جنبش مسلحانه قرار گرفته، همسو و همسرور جنبش انقلابی مسلحانه حرکت کند و دفاع قاطعانه سیاسی از جنبش انقلابی مسلحانه را محور اصلی تمام فعالیت های خویش قرار داده با تمام قوا تحت رهنمود های جنبش در جهت برآورده خواستههای بالفعل (آنچه که میتوانیم انجام دهیم) و خواستههای بالقوه (آنچه که برای انجام آن در آینده و باید اکنون زمینه سازی کنیم) جنبش انقلابی مسلحانه بکوشد در شرایط رشد یافته تر مبارزه که از یکسو جنبش مسلحانه رشد و گسترش بیشتری می یابد و از سوی دیگر جنبش دانشجویی خارج کشور، رشد و اعتلا کیفی و کمی پیدا میکند نهایت جنبش دانشجویی خارج کشور تحت رهبری مستقیم جنبش مسلحانه در آمده و بهیئت در آن شرایط کیفیت مبارزه این جنبش دیکتاتیک توده های بسیار غنی شده و عمق مییابد. لکن اکنون در شرایط کنونی وظیفه عمده جنبش دانشجویی خارج کشور مبارزه قاطع با اپورتونیزم و ایجاد شرایط مساعد برای رشد عناصر مبارزه جو و انقلابی در بطن مبارزات افشارگانه سیاسی و در بطن کار ترویجی و تبلیغی در خدمت پیشاهنگ انقلابی خلق است و همه این فعالیت در این مرحله ملهم از تلاش پیشاهنگ در جهت بسیج توده ها در حول محور تبلیغ مسلحانه میا شده. مبارزه ای که تمام این گروه ها مینمایند فقط در پیوند با جنبش انقلابی مسلحانه میتواند مؤثر و مفید واقع شود و به آزادی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان خلق ما کمک کند. انحراف از این

پیروز باد جنبش انقلابی مسلحانه در راه بسیج توده ها

بیاد بود...
 - های پاک، درستی، انقلابی، صداقت و...
 یکونیم، ایمانیه آزادی ورهائی کامل خود استوار
 میگردد. بدینسان در این عمل انقلابی است که پیشاهنگان
 خلقی و سازمان پیشاهنگ بوجود می... رفیق
 بیژن جزئی نقش عظیم فد اکاریهای پیشاهنگ انقلابی را در زمان
 ما روشن میکند: "پیشاهنگ قادر نیست بدون اینکه خود
 مشعل سوزان و مظهر فد اکاری و یابداری باشد نمود مرا
 در راه انقلاب بسج کشته. آنچه بر آهن سرد توده ها
 در دوره خمودی مؤثر می افتد، آتش سوزان پیشاهنگ
 است. از خود گذشتگی و جانپازی حاصل رنج و مشقت توده است
 انعکاس خشم فرو خورده توده است که بصورت آتش از درون
 پیشاهنگ زبانه میکشد. شهر انقلابی پیشاهنگ منکی به
 مصالح مادی توده است و باین سبب که سر انجام انرژی ذخیره
 توده را با انفجار میکشاند. بیژن جزئی (۱۹ بهمن -
 تشریح شماره ۸ -)

زندگی پر از شور و شوق انقلابی رفیق حمید اشرف ستاره
 سرخ انقلابی راهنمای انقلابیون راستین خلق ماست
 که در راه رهائی خلق گام بر میدارند. از زندگی و مبارزه
 او بیاموزیم و صادقانه در خدمت این سازمان پیشاهنگ انقلابی
 خلق، که چنین عناصر انقلابی در آن بوجود میآید عمل
 نمائیم.
 فراوان به رفیق حمید اشرف چریک فدائی خلق و
 کمونیست کبیر انقلابی نمونه کامل یک رهبر انقلابی، یک
 انسان آزاد و مبارز عصر ما.
 - زنده باد سازمان پیشاهنگ انقلابی خلق، سازمانی چریکها
 فدائیس خلق ایران که چنین فرزندان انقلابی در دامان
 خود پرورش میدهند.
 - گرامی باد خاطره تمام شهدای انقلابی خلق که برای رهائی
 طبقه کارگر و زحمتکشان ایران بیکار کرده اند و اوطانبانه جان
 خود را نثار ایمان انقلابی خود مینمایند.
 - سرنگون باد رژیم مزارکو فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی
 بمسکرمردکی امپریالیسم آمریکا.

جنبش انقلابی...
 پیوند موجب گرامی و بیپرده هدر دادن نیروی بخش های
 مختلف خلق میگردد.

نتیجه گیری:
 در شرایط نامساعد مبارزه بخشهایی که دستشان پدهائش
 میرسد و میتوانند گیم خود را از آب بیرون بکشند و با غارت
 و امتیازاتی که در جابهدارند زندگی مرفه ای را اداره میکنند
 از مبارزه ریبیاری با دشمن برهیز میکنند و جان خود را بخطر
 نسر اندازند. اینان برای مدت بسیار طولانی سکوت میکنند
 رتجاج و امپریالیسم تکین مینمایند. در ایران مشغول بر
 کردن جیب های خود میشوند و در خارج نیز به یرت گوشه
 پرداخته و از مبارزه موثر طفره میروند. با سیاست "صبر و انتظار"
 در داخل و شعارهای گنگ و منحرف کننده در خارج از کشور
 در عمل خود را از توان مبارزه انقلابی بدور میکنند. تن مبارزه
 اصولی نی دهند و برای توجیه بیعملی خود دائم با توسل
 بخرافات و نظرات عقب مانده بر ضد فد اکاری و جانپازی. در
 راه رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان قد علم مینمایند. حال آنکه
 ماتریالیسم و درک ماتریالیسم بدالکتیک از مبارزه طبقاتی انسان
 را به نیروی رزنده و سرشار از فد اکاری و گذشت تبدیل میکند
 و انسان مبارز آن قدرت عظیم را میدهد که در مقابل کوهی از
 نابسامانی و مشکلات ایستادگی نماید تا موانع راه انقلاب
 و رهائی را از پیش پای خلق بردارد، و گرنه چگونه ممکن است
 علیه خشونت و جنایت یک رژیم فاشیستی مبارزه کرد و آثار نابود
 ساخت. در مقابل روحیه ایده البستی و عقب ماندگی
 خوشتن خواهی و بقا، مشعل و سازشکار کسه متعللق
 به بورژوازی متوسط وابسته میآید. پیشاهنگ طبقه کارگر ایضا

از روحیه ای غلبه ناپذیر سرشار از فد اکاریهای بینظیر برخوردار
 ند. با ایمان خلل ناپذیر طبقه کارگر و زحمتکشان باصداقتی
 خدشه ناپذیر در برابر سفاک ترین رژیم های خون خوار زسان
 و در مقابل امپریالیسم با آن استیلائی تاکیکیش مبارزه ای قهر
 آمیز و رودر رو دست زده، و چون کوهی استوار مقاومت کرده و
 مبارزه را ببین برده است. انقلابیونی که تشکیل دهنده
 سازمان پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر ند در ضمن نمود
 با دشمن شریک شهادت مینوشند و هستی خود را فدای رهائی
 خلق میکنند. با انگه بان، روحیه انقلابی و ماتریالیستی در
 مقایسه دو جریان... جریان کارگری و جریان فرمیستی لیبرالی
 و فقیسه دو پیشرو این طبقات... حاکی از وجود درک روشن
 صداقت، حقایق انقلابی بودن، پاکبازی و ایمان به رهائی خلق
 در جنبش کارگری که تماماً بعلت منافع بی غل و غش و ضد استعماری
 طبقه کارگر در جامعه و تاریخ است و نیز وجود تزلزل و روحیه
 سازشکاری خود خواهی، تسلیم طلبی و نبونی در جریانات اپورتو
 نیستی که دال بر منافع طبقاتی و فارتگرانه این بورژوازی متوسط
 وابسته میباشد. در جریان متقابل و متضاد در برابر
 چشمان ما ترسیم میکند. دو جریانی که بد و راه متفاوت
 میروند یکی بسوی دگرگامی اهدائی و دیگری بسوی انقلاب
 و رهائیس. یکی بسوی تسلیم و شکست و دیگری بسوی نبرد
 و پیروزی... در این روال برای هر فرد و گروه مترقی و انقلابی
 که با آزادی خلقهای وطن خود علاقه مند است و میخواهد
 که ایران هم سرزمینی آزاد باشد نه اسارتگاه بردگسان مسئله
 ای جدی طرح میشود، که بگد ام راه باید برود و بگد ام پیشرو
 باید خدمت بکند، ولی بهر حال هرکس ناگزیر است یکی از دو
 راه را انتخاب کند... یا بدنبال اپورتونیستها و تسلیم طلبان
 گوناگون برود و در نهایت بمنافع بورژوازی وابسته و امپریالیسم
 خدمت کند و یا بدنبال سازمانهای انقلابی صلح خلق و بشو
 آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و هرکس مجبور است یکی
 از دو راه را انتخاب کند و ما هم انتخاب خود را میکنیم.
 بنظر ما سازمان پیشاهنگ انقلابی خلق، سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران که سازمانی مارکسیستی لنینیستی و بنیسان
 گذار جنبش نوین انقلابی خلق، تشریح کننده قانونهدهای
 مبارزه مسلحانه و راه رهائی خلق ماست با تمام معنا شایستگی
 آتر احراز کرده است که همه نیروهای انقلابی و فادار بامر رهائی
 طبقه کارگر از او حمایت کنند و نیروی خود را بدون قید و شرط
 در اختیار این پیشاهنگ انقلابی بگذارند. زیرا ساسا زمان
 چریکهای فدائیس خلق ایران در تشریح عمل انقلابی
 شایستگی خود را برای رهبری نیروهای انقلابی خلق اثبات کرده
 است.

مبارزه جهت سرنگونی که لاجرم بسرنگونی طبقه حاکم وابسته
 و قطع نفوذ امپریالیسم و هر نوع غارت دیگری از ایران خواهد
 انجامید مبارزه ای که باید بدون سیاه کودتای سی سی...
 در وطن ما پایان دهد، مبارزه ای اساساً انقلابی است که
 بر حول محور تبلیغ مسلحانه تدارک دیده میشود. بدون
 راه قهر آمیز... بدون استراتژی و تاکتیک قهر آمیز مبارزه علیه ار
 - تجاع و امپریالیسم در ایران نمیتواند پیروزی برسد.
 پس با تمام نیرو در جهت خدمت به سازمانهای انقلابی صلح
 خلق، برای در هم شکستن رژیم دیکتاتوری - فاشیستی شاه
 خائن که وابسته بامپریالیسم جهانی است رهموار کردن راه
 انقلابی که استعمار انسان از انسان را بر چید و ساختن
 ایرانی دور از حاکمیت استعمار گران مبارزه میکنیم.
 سرنگون باد رژیم مزارکو فاشیستی شاه عامل امپریالیسم جهانی!
 پیروز باد مبارزه انقلابی مسلحانه تنها راه سرنگونی رژیم فاشیستی
 شاه و تنها راه رهائیس خلق!
 پیروز باد مبارزات سازمانهای انقلابی صلح در راه رهائی خلق!

اطلاعیه...
 این نشریه که قاعدتاً میبایست به طرح مسائل تئوریک پرداخته
 و خصوصاً جهت تبارال نظر و دامن زدن هر چه بیشتر به
 بحثها / مطالب نشریه شماره یک را طرح نماید / در همبره
 همان سان با محتوایی ملو از مطالب غیر واقعی و تحریف شده
 بانوجه به مسائل امنیتی بشماره یک در نشریه فوق مطرح شده
 بود / بنظر ما حتی انتشار درون سازمانی آن نیز اقدامی غیر
 اصولی و غیر مسئولانه بود. ولی سازمان مجاهدین خلق ایران /
 بدون توجه به این مسئله بر اهمیت و تاثیر نام آن نشریه از
 "نشریه ویژه بحث رین و دو سازمان / چریکهای فدائی خلق
 ایران و مجاهدین خلق ایران" به "مسائل حاد جنبش ما /
 دومین نشریه بحث بین سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران" / بدون مشورت و توافق با
 سازمان ما / آن را انتشار خارجی داد. یک چنین بی مبالائی
 و اقدامی تااین حد غیر مسولانه که بدون شک موجب باز گردن
 دست رژیم دیربره برداری از این اطلاعات جهت ضرر زدن به
 جنبش انقلابی مسلحانه ایران میگردد، تا کون در جنبش انقلابی
 نوین خلق ما بی سابقه بوده است. این اقدام برای ما واقعا
 موجب تحیر بوده و شدیدا نگران کننده است.

سازمان مجاهدین خلق ایران / واقعیت ارتباط ما با یک گروه
 از سازمانهای جبهه ملی در خارج از کشور را تحریف کرده و
 مطالب غیر واقعی بسیاری را عنوان کرده است. لازم به توضیح
 است که ما با یک گروه در درون سازمانهای جبهه ملی خارج از
 کشور در ارتباط بودیم / ولی در یکسال اخیر بعلت مشخص تر
 شدن مواضع این گروه / تغییراتی در نظرات ما نسبت به آنها
 بوجود آمد و ارتباط خود را با آنها قطع کردیم (ما توضیح
 بیشتر و تحلیل خود را در این باره در فرصتی دیگر در اختیار
 نیروهای مبارز قرار خواهیم داد)
 اما در مورد اتهام دروغ ارتباط سازمان ما با حزب توده / برای
 ما تابه شکستی است / چگونه سازمانی که دارای سابقه مبارزاتی
 در ایران است با زیر پا گذاشتن مصالح جنبش تبه چنان روش
 های غیر انقلابی متوسل میشود که حتی عیان ترین مسائل را مورد
 سؤال قرار داده و به جایی می رسد که خود اجازه میدهد
 سازمان ما را متهم به گرفتن امکانات تسلیحاتی و مالی از حزب
 توده بنماید. انتشار چنین مطالب غیر واقعی جز فریب توده ها
 نبوده و با مبارزه انقلابی در تضاد میباشد. عیان بودن مواضع
 ما بر علیه حزب توده / ما را از توضیح بیشتر در این مورد بسی
 نیساز می کند.

در این نشریه سازمان مجاهدین خلق ایران با بسیاری از
 مسائل جنبش مسلحانه خلق شتابزده و نسنجیده برخورد کرده
 است / و گاه تا بدانجا پیش رفته که به رستاخیز سهاگل / نقطه
 عطف مبارزات خلق ما و نقطه آغاز جنبش مسلحانه در ایران /
 باعبارت "شلیک اولین تیر... (که در همین صورتش هم
 بسیار قابل شک میخورد!) " اشاره کرده است. آیا چنین
 برخوردی جز بی اعتبار ساختن جنبش مسلحانه خلق ایران
 معنای دیگری میتواند داشته باشد؟
 ما در اینجا به سازمان مجاهدین خلق ایران هشدار میدهم
 که چنین برخورد های غیر اصولی و نسنجیده / نه تنها ضربه
 اساسی به حثیت خود سازمان مجاهدین وارد میسازد / بلکه
 شدیدا به اعتبار جنبش نوین انقلابی خلق ما لطمه خواهد زد
 و لازم است که سازمان مجاهدین خلق ایران بطور صریح و قاطع
 در این بساره از خود انتقاد کند.

پیروز باد جنبش انقلابی مسلحانه خلق ایران
 مرگ بر رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه

اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ خورشیدی
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مبارزه مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما

اعلامیه ای از ایران درد در کارگران مبارز ایران

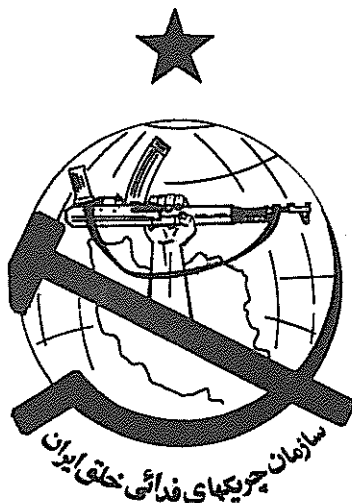
خلق مبارز ایران!

۱۱ اردیبهشت روز اول ماه مه سالروز کارگران جهان است. کارگران جهان در این روز با بر پا کردن تظاهرات و اعتصابات خود خواسته‌های برحق خویش را اعلام می‌دارند. ۶ سال پیش در چنین روزی کارگران زحمتکش جهان چیت که از سنگینی مخارج زندگی و کمی دستمزد ببتنگ آمده بودند پیاده از کرج بطرف تهران حرکت کردند تا از شرایط وحشتناک کار در کارخانجات محمد صادق فاتح یزدی که بنام کارخانجات جهان چیت معروف است به وزارت کار شکایت کنند. دولت شاه که از اتحاد و تجمع ۲۰۰۰ کارگر خشمگین و وحشت زده شده بود، با توطئه مشترکی با فاتح خائن که حاضر نبود یک ریال به حقوق کارگران اضافه کند سیل خروشان ۲۰۰۰ کارگر شجاع و مبارز جهان چیت را بخون کشید. چندین کامیون و اتوبوس با تفنگها و مسلسلهای آمریکائی و اسرائیلی کارگران حق طلب جهان چیت را در کاروانسرا سنگی در نیمه راه کرج بیرحمانه به گلوله بستند. طی این یورش بیش از ۲۰ نفر از کارگران شهیدات رسیدند و دهها نفر از آنها مجروح شدند. این جوابی بود که دولت شاه که حامی سرمایه داران است به کارگرانی داد که فقط قطعه نان بیشتری برای سیر کردن زن و فرزند خود طلب میکردند. هرچند انتقام کارگران جهان چیت سه سال بعد در ماه ۲۰ مرداد ۱۳۵۳ با اعدام رئیس کارخانه توسط مبارزان سازمان چریکهای فدائی خلق گرفته شد ولی خاطره جاننازی کارگران جهان چیت همیشه در دل خلق میهن ما باقیست.

اکنون نیز کارگران میهن ما در شرایط سخت و طاقت فرمائی قرار دارند. اکثر آنها از حداقل زندگی بی بهره هستند. آنها با روزی ۱۰-۱۲ ساعت کار در کارگاهها و کارخانه ها و موق خویشها از دست میدهند و در عرض روز به روز بر ثروت سرمایه داران زالو صفت میافزایند. کوچکترین اعتراضی از آنان با وحشیانه ترین روشها سرکوب میشود. کارگران خود تولید کننده تمام وسایل زندگی هستند ولی از این همه خودشان بی بهره هستند و با کاره اوم در شرایط سخت کارخانه ها و در مسرما و کورما و در میان دود و گازهای سموم زندگی پریشانی را تحمل میکنند. در عرض دهه ای سرمایه دار متخور درباری در کاخهای شمالی شهر به تن پروری و پیش و پیش و عشرت می پروراند. با وجود تمام استعکبهای سرمایه داران و سرکوبهای پلیس مزدور و ساواکهای کیف باز هم کارگران ایران روز بروز خواستههای خویش را با اصرار بیشتری میخواهند.

ملت ایران بهار سال پیش شاهد اعتصابات پرشکوه چیتاری چیت تهران (با فتکار) بی اف گودریج و چندین کارخانه و کارگاه بود مانند. روزی نیست که در آن برخوردی میان کارگران مبارز و کارفرمایان زور گورخ ندهد. ولی تعلیم این برخورد ها اگرچند جدا باشد نمیتواند شرایط زندگی کارگران را بهبود بخشد. کارگران با اتحاد و یکپارچگی خود در مقابل کارفرما، وزارت کار و ولت زورگو پلیس سرکوبگر شاه میتوانند خواستههای خود را بر آورده سازند. چریکهای مسلح کد ولت شاه آنها را خرابکار و تروریست میدانند، فرزند ان راستین خلق زحمتکش ایران هستند که اسلحه بدست در راههای زحمتکش بود فاح از حقوق رنجبران میهنان بیخاسته اند آنها همانطور که با افتخار جنايتكار حمايت خوش را از مبارزه کارگران اعلام داشتند، همواره با تلاترخصتگی ناپذیر خود به مبارزه ادامه میدهند. بگه ازشاه و سرمایه داران خارجی و نوکران ایرانی نشان چون خرس تیر خورد بخونده بیچند. خلق مبارز ایران راه گولدر مقابل گولدراد ریشتر قهقاس، خون در جواسهرخون آینهست پاسخ نجا خلق ما به شمانش بی جاوند انبیا خاطر مشهد ای جهان چیت میوز و گسترده مبارزات طبقه کارگر. مرکبدر ولت شاه و اربابان خارجی ان. درد در چریکهای مسلح فرزند ان شهید خلق ایران زرقای مبارز" اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ خورشیدی

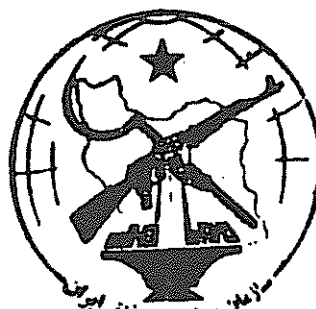
با تمام امکانات مادی و معنوی خود همه پشتیبانی از سازمانهای انقلابی مسلح خلق اقدام نمائیم!



نشانی پستی و شماره حساب بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران:

آدرس پستی
P.O. Box 5101 - Moalla, Aden
People's Democratic Republic of Yemen

آدرس بانکی
National Bank of Yemen
P. D. R. Y., Aden, Steamer Point
Account No. 58305



نشانی پستی و شماره حساب بانکی سازمان مجاهدین خلق ایران

آدرس پستی
P.O. BOX 246, CRATER ADEN,
PEOPLE'S DEMOCRATIC REPUBLIC
OF YEMEN

آدرس بانکی
ACCOUNT NO. 59397,
STEAMER POINT BRANCH,
NATIONAL BANK OF YEMEN,
P. D. R. Y.

جنبش انقلابی مسلحانه تنها راه سرنگونی رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه خائن

۲۴ سال از کودتای خائنه امپریالیستها در ۲۸ مرداد ۳۲ میگذرد. این کودتای خائنه توسط سی. آ. ی. (سازمان جاسوس آمریکا) و با هدایت مستقیم امپریالیستها آمریکائی و انگلیسی و بدست زنیلهای ارتجاعی ارتش مزدور شاه صورت گرفت. در نتیجه این کودتای خائنه شاه فراری که از ترس انتقام خلق نسبت به خیانتکاریهای او بخارج کشور فرار کرد به بک امپریالیسم که در شمان خلق استقلال و حاکمیت مسلح ما میباشند بر سر کار آمد و بر مسند قدرت نشاند. شمس. وظیفه حکومت خائن شاه را اساس این بود که شرایط لازم را برای قارت هر چه بیشتر امپریالیستها و نوکران آنان (طبقه بورژوازی وابسته) فراهم سازد. این برنامه خائنه که ثروت و وطن و نیروی کار زحمت کشان وطن را مارتاراج میدهد با گرسنگی بیخانمانی بیسو شاکس بیماری بیسواد میلیونها توده غارت شده و توام میباشند. ایمن غارت بی حساب موجب حدت تضاد های اجتماعی و غیر قابل تحمل بودن آن از طرف توده های محروم و غارت شده میگردد. لسنذا برای کنترل اوضاع به نفع امپریالیستها و بورژوازی وابسته سرکوب توده ها از طرف آنان الزام آور میگردد. بهین جهت است که رژیم شاه بهر جنایتی دست میزند. رژیم شاه از یکطرف بخلق خیانت میکند و از طرف دیگر برای ادامه خیانت خود دست به کشتار خلق میزند و جنایت میکند. از این روست که این حکومت را بعلت این مشخصات باید حکومت خیانت و جنایت یا رژیم دیکتاتوری فاشیستی وابسته با امپریالیسم مینامند.

امپریالیستها در این دوران ۲۴ ساله کون تا بارها سعی کرده اند که تغییراتی در شیوه بهره کشی از جامعه بدهند تا هرچه ساده تر و سرپخته تر و بیشتر و همه جانبه تر جامعه و کشور ایران را بچاپند. در ضمن این تلاشها بود که یک برنامه حساب شده و وسیع را تحت عنوان "انقلاب سفید" در ایران پیاده کردند. قصد اساسی امپریالیستها بویژه امپریالیستها آمریکائی از این انقلاب سفید، که خود شاه و امپریالیستها انگلیسی ارباب او در آغاز بعلت اتکا عثمان بر بزرگ مالکی و شیوه تولید ارباب رعیتی در روستا با آن مخالف بودند که گسترش روابط سرمایه داری وابسته بروستا های ایران زمیننه مساعد برای سرمایه گداریهای بزرگ خارجی بود. در نتیجه این تغییرات میهن ما بیک کشور کاملاً وابسته و نوسمتمد تبدیل گردید. اکنون دیگر علاوه بر نفت سرمایه های خارجی و انحصارگران بزرگ داخلی و وابسته بدان تمام شریانهای اساسی اقتصاد را در وطن ما قبضه خود کرده اند. شخص شاه و دربار پهلوی بزرگترین سرمایه داران وابسته میباشند. پس از این تغییرات اینک در ایران طبقه ای بنام بورژوازی وابسته در تمام زمینه های مالی تجارت صنعتی و کشاورزی و حمل و نقل و غیره طبقه حاکم را تشکیل میدهد. میلیارد ها تومان ثروت بیکرانی است که در اختیار هر کدام از این انحصارگران و سرکبهای بزرگ وابسته میباشند. این بورژوازی وابسته کاملاً منافع خود را در نوکسری و وابستگی به امپریالیستها دنبال میکند و عمیقاً ضد ملی و خائن

این اعلامیه از روزی پیمان شماره ۷۵ شماره ۱۳۵۶ تکثیر گردید

سرنگون باد رژیم موناارگو فاشیستی شاه نوکر امپریالیسم جهانی